



کارگران جهان متحد شوید

شماره ۵۸

۲۶ سپتامبر ۲۰۰۶

۴ مهر ۱۳۸۵

کاسنامه



بر توده‌ی مردم کارکن و بر رقبای جهان امروز جهانی است به مراتب نا عادلانه‌تر از بیست سال قبل.

فلاکت بشر امروز بیش از هر چیز گواهی بر آن است که دوره‌های کوتاه رفاه نسبی و بهبود و ترقی اجتماعی در قرن بیستم نیز نه محصول سرمایه‌داری، بلکه دست‌آورد مبارزات و جانفشانی‌های طبقه کارگر سوسیالیست بود که در انقلاب اکتبر به اوج خود رسید. امواج این انقلاب و خطر وقوع آن بود که در همه‌جای جهان سرمایه‌داری را به انجام اصلاحات و تأمین حداقلی از رفاه برای توده مردم کارکن واداشت. با نابودی آخرین سمبل‌های باقی‌مانده از این انقلاب روشن شد که چهره‌ی واقعی سرمایه‌داری همان است که در آغاز تکوین آن بود. فقر و فلاکت و گرسنگی و جنگ از یک سو و تمرکز ثروت و رفاه بی‌کران در سوی دیگر، ذاتی این نظام است. اگر انباشت سرمایه در دوره‌های اولیه تکوین نظام سرمایه‌داری به‌بهای نابودی میلیون‌ها مهاجر فقیر خلع‌ید شده زیر چرخ‌های تولید و نابودی نسل‌های کاملی از بومیان آمریکا شکل گرفت، در دوران تکنولوژی دیجیتال و بارآوری حیرت‌آور تولید و انبوهی از مازاد تولید نیز- در این قانون کوچک‌ترین تغییری وارد نشده است. در جهان امروز نیز انباشت سرمایه با تباهی زندگی بخش‌های عظیمی از انسان‌ها همراه است. چه آن‌ها که زیر فشار استثمار از پا

انسان از مواهب این چیرگی بر طبیعت است. سرمایه‌داری برای اولین بار همه‌ی مرزها را پشت‌سر گذاشته و تمام کشورها را به عرصه‌ی انباشت سرمایه تبدیل نموده و وارد بازار جهانی کرده است. همراه با آن، پیشرفت چشم‌وار تکنولوژی‌های ارتباطی کره زمین را به دهکده‌ای جهانی بدل نموده است. فاصله‌ها از بین رفته‌اند، اما جدائی بین انسان‌ها - امروز - بیش از هر دوره‌ای در تاریخ است. خدای پول و مذهب، منفعت شخصی، دیواری بلند در مقابل بشر امروزی برای پی‌بردن به وجود اجتماعی خویش قرار داده است. انسان هیچ‌گاه در طول تاریخ تا به این حد از خودبیگانگی نبوده است. سرمایه‌داری عشق و صمیمیت و دوستی بین انسان‌ها را با نفرت و کینه و دشمنی جایگزین و انسان اجتماعی را به موجودی تبدیل کرد که خوشبختی و سعادت خود را بر ویرانه‌ی بدبختی انسان‌های دیگر جستجو می‌کند. بورژوازی با انقلاب فرانسه «آزادی، برابری، برادری» را به جهان وعده داد. دو قرن پس از این انقلاب و منشور حقوق بشر روشن شده است که آزادی بورژوازی چیزی بیش از آزادی استثمار نیروی کار نیست و برابری برای عده قلیلی برابری در اختصاص ثروت کلان در بازارهای مالی و برای توده کثیری از انسان‌ها برابری در گرسنگی و فلاکت است و برادری تنها اسم رمزی است برای قانون جنگل و برادری بین گروه‌بندی‌های حاکم بر جوامع انسانی برای تحمیل منافع خود

سوسیالیسم ضرورت و نیاز حیاتی جنبش کارگری

بیانیه‌ای در تبیین سوسیالیسم معاصر

بیست سال پس از برچیدن دیوار برلین و اعلام پیروزی نهایی سرمایه‌داری و «پایان تاریخ»، جهان امروز بیش از هر دوره‌ای جهانی است ناامن و بشر امروز بیش از هر دوره‌ای از احساس خوشبختی دورتر. در این بیست سال تمرکز ثروت و فقر در دو قطب همه‌ی جوامع بشری از هر دوره‌ای در تاریخ بشر چشمگیرتر شده است. سرمایه‌داری پیروزمند صلح را وعده داد و به‌جای آن جنگ را برای بشریت به‌ارمغان آورد، رفاه را وعده داد و به‌جای آن فقر و فاقه‌ی بیشتر را ایجاد کرد، سعادت و امنیت و اطمینان به‌آینده را بانگ برآورد و به‌جای آن توده‌ی وسیع‌تری از مردم در همه گوشه‌های جهان - را در ورطه‌ی فلاکت و ناامنی و ترس از آینده‌ای نامعلوم انداخت. جامعه بشری هیچ‌گاه به اندازه‌ی امروز ثروتمند نبوده و در عین حال در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشریت به اندازه‌ی امروز از برخورداری از مواهب پیشرفت‌های عظیم علمی و تکنولوژیک محروم نبوده است. فلاکت بشر امروز اساساً ناشی از قهر طبیعت نیست. بشر هیچ‌گاه به اندازه‌ی امروز بر طبیعت سلطه نداشته و آن را به خدمت خود درنیآورده بود. این بنای انسان‌ستیز جامعه‌ی سرمایه‌داری است که مهم‌ترین مانع برخورداری صدها میلیون

می‌افتند و چه آن‌ها که برای همیشه از چرخه‌ی تولید و کار خارج شده و محکوم به مرگی تدریجی می‌شوند. جهان قرن بیست و یک نیز جهانی است که بر محور حاکمیت سرمایه بر کار استوار است و سرنوشت امروز بشریت نیز در گرو همان مبارزه‌ای است که از آغاز پیدایش سرمایه‌داری جوهر و جانمایه حیات آن را تشکیل می‌داده است: مبارزه‌ی کار بر علیه سرمایه.

اعلام «پایان تاریخ» از جانب پیروزمندان جنگ سرد به معنای پایان واقعی مبارزه طبقاتی نبود و نمی‌توانست باشد. این خود تداوم یورش بود که بورژوازی از دهه‌ی هشتاد قرن بیستم به‌طور گسترده‌ای به آن دست زده و اکنون می‌بایست یک‌بار برای همیشه ابدی بودن نظام سرمایه‌داری را اعلام کند. این پیروزی قبل از هر چیز به معنای تغییر پایه‌ای توازن قوا به نفع سرمایه و به‌زیان کار، به نفع نیروهای مدافع نظام مبتنی بر کارمزدی، مالکیت خصوصی و بازار و به‌زیان نیروهای عدالت‌خواه به‌طور کلی و سوسیالیستی به‌طور ویژه بود. علی‌رغم همه‌ی تمهیدات ایدئولوژیک و سیاسی، تهاجم همه‌جانبه‌ی سرمایه‌داری به زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان، اما نمی‌توانست واکنش متقابل کارگران را به دنبال نداشته باشد. بیست سال پس از پایان «اردوگاه سوسیالیسم» صف کارگران امروز در همه‌جای جهان به مقاومت برخاسته است. اوج گیری این مقاومت و گسترش مبارزه طبقاتی در عین حال فرصتی است تاریخی برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر تا با

عبور از سنگینی تجربه تاریخی‌ای که شکست انقلاب اکتبر در بنای جامعه سوسیالیستی انسان‌های آزاد آغازگر آن و فروپاشی نظام دوقطبی تنها اعلام پایان رسمی آن بود، پا به‌دوران جدید بگذارد. برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر فروپاشی انواع سوسیالیسم‌های غیرکارگری در عین حال شانس تاریخی برای قرار گرفتن بر پایه‌های طبقاتی خویش است.

برخلاف سوسیالیسم‌های مسلط در قرن بیستم، جنبش سوسیالیستی کارگران فراخوانی برای تحقق مدل‌های از پیش تعیین شده نیست. سوسیالیسم جنبشی است از درون طبقه کارگر برای نفی نظام سرمایه‌داری و امحاء استثمار انسان از انسان. تکامل سوسیالیسم به‌طور بلاواسطه‌ای به‌عمل مستقیم طبقه کارگر گره خورده است. به‌هم‌میزان این عمل مستقیم انکشاف یافته و در آگاهی تاریخی-طبقاتی کارگران متبلور شده باشد، سوسیالیسم نیز به‌همان میزان به‌عنوان جنبشی اجتماعی متعین می‌شود. به‌این اعتبار سیاست سوسیالیستی نه اعلام کلیات انتزاعی، بلکه در اساس در پاسخ‌گویی به‌گره‌گاه‌های جنبش کارگری در مسیر رشد و تکامل گام به‌گام آن است. معنای واقعی این حقیقت بدیهی مانیفست کمونیست که «کمونیست‌ها حزبی در مقابل سایر احزاب کارگری نیستند» در این است که سیاست سوسیالیستی تنها بر تبیین تمایزات جنبش سوسیالیستی کارگران و سایر

گرایشات درون جنبش کارگری استوار نیست؛ تعهد به پیشروی عمومی جنبش کارگری در هر گام معین یک شاخص اصلی و تعیین‌کننده‌ی سیاست سوسیالیستی درون جنبش کارگری است. این اصلی است که بر تمام فعالیت‌های سوسیالیستی و بر مناسبات بین فعالین سوسیالیست جنبش کارگری و همه‌ی فعالین گرایشات دیگر درون طبقه کارگر حاکم است. در یک کلام انتقاد سوسیالیستی ادعا نامه‌ای علیه کلیت نظام سرمایه‌داری است. سوسیالیسم برای جنبش کارگری سرانجام-تقدم اتحاد طبقاتی بر انتقاد درون طبقه است. مضمون انتقاد سوسیالیستی و جهت آن را تأمین اتحاد طبقاتی کارگران تعیین می‌کند.

سرمایه‌داری از آغاز پیدایش خود نبردی نابرابر و همه‌روزه را بر طبقه کارگر تحمیل کرده است. این نبردی است که در همه‌ی زمینه‌های حیات اجتماعی، از تولید و توزیع تا فرهنگ و سیاست در جریان است. همه‌ی این عرصه‌ها میدان‌های نبرد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگرانند. از مبارزه برای کوچک‌ترین بهبود در زندگی روزمره تا مبارزه با فرهنگ تحمیلی و جهالت و سرانجام تا مبارزه برای کسب آزادی‌های سیاسی. در این مبارزه اما این طبقه سرمایه‌دار است که از همه‌ی امکانات اجتماعی، از دادگاه‌ها و زندان‌ها و رسانه‌ها تا مدارس و مساجد و کلیساها برخوردار است. در مرکز این آرایش اجتماعی دولت سرمایه‌داری قرار دارد که مستقل از هر شکلی (خواه پارلمانی، خواه دیکتاتوری

به‌حزبی سوسیالیستی دست خواهد یافت. به‌ویژه این تشکل‌های توده‌ای کارگران‌اند که با به‌میدان آوردن میلیون‌ها کارگر مزدی قدرت عظیم طبقاتی را در مقابل جامعه بورژوازی قرار داده و خود کارگران را به‌این قدرت واقف می‌کنند. مبارزه برای اتحاد این تشکل‌های توده‌ای و ایجاد تشکل سرتاسری کارگران یک امر همیشگی همه کارگران سوسیالیست است.

براین اساس حزب کارگران سوسیالیست، تنها سازمان درون طبقه نیست. وجود تشکل‌های توده‌ای کارگران برای حزب سوسیالیستی دریایی است که به‌حزب امکان شنا می‌دهد. هرگام پیشروی و هردرجه از تشکل‌یابی مستقل کارگران درعین حال سکویی است برای پیشروی بیشتر سوسیالیسم. حزب به‌مثابه اراده سیاسی طبقه کارگر سوسیالیست باید بتواند به‌قلب طبقه کارگر و به‌مرجع معنوی و سیاسی آن تبدیل شود. بر متن آرایش متنوع گردان‌های متشکل جنبش کارگری، حزب نهاد هم‌آهنگ‌کننده و اهرم تمرکز قوای طبقه کارگر برای درهم شکستن دولت سرمایه‌داری و تسخیر قدرت سیاسی است. نقطه اوج این روند و عالی‌ترین سطح تشکل کارگران، تشکیل دولت سوسیالیستی به‌مثابه طبقه‌ی متشکل در دولت و بنای جامعه سوسیالیستی انسان‌های آزاد است. حزب ابزاری است در خدمت تحقق این هدف تاریخی در راه زوال دولت و محو طبقات.

جنبش کارگری ایران به‌یمن مبارزه‌ای دشوار و طولانی در سخت‌ترین شرایط،

سوسیالیست است. این حزب تنها می‌تواند محصول رشد مبارزه‌ی طبقاتی و تکوین خودآگاهی طبقاتی درمیان پیشروان جنبش کارگری باشد. طبقه کارگر در جریان مبارزه‌ی خود تنها با سد کارفرما در محیط کار روبرو نیست؛ به‌هر میزان که طبقه کارگر در حیات سیاسی-اجتماعی خود در ابعادی فراتر از واحدهای تولیدی و خدماتی ناچار به‌مقابله با سرمایه و نهادهای سیاسی آن می‌شود، به‌همان میزان حزب سوسیالیستی طبقه کارگر به‌ضرورتی حیاتی تبدیل می‌شود. نه تنها آینده طبقه و سرنوشت جامعه، بلکه حتی تثبیت دست‌آوردهای کارگران و دفاع مؤثر از سایر اشکال سازمان‌یابی جنبش کارگران به‌این گام تاریخی گره خورده است.

جنبش سوسیالیستی کارگران همواره خواهان بیش‌ترین وحدت طبقاتی و سازمانی در میان کارگران است. اما مبارزه طبقاتی کارگران مبارزه‌ای است همه‌جانبه و براین اساس آرایش تشکیلاتی طبقه نیز به‌همان اندازه متنوع. تنوع در سطوح تشکل‌یابی برای کارگران امری جانبی نیست. این تنوع شکل ابراز وجود اجتماعی کارگران است. طبقه‌ی کارگری که در سطوح مختلف (از انجمن‌ها تا تشکل‌های توده‌ای، از کمیته‌های کارخانه تا سندیکاها و شوراهای و انواع ابتکارات توده‌ای دیگر) متشکل نباشد، قادر به‌هیچ‌گونه ابراز وجود اجتماعی پایدار نیست. چنین طبقه کارگری نه به‌سوسیالیسم خواهد اندیشید و نه

نظامی - خواه مذهبی و خواه لائیک) ارگان حفظ و تداوم سیادت سرمایه بر کار است. هیچ درجه‌ای از جهانی شدن سرمایه تغییری در این کارکرد دولت نداده است. این دولت است که در همه‌ی جوامع سرمایه‌داری چهارچوب‌های اجتماعی انباشت سرمایه را ترسیم نموده و به‌مثابه سدی در مقابل همه تلاش‌های آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبانه قرار می‌گیرد. مادام که تغییری اساسی در این توازن قوا صورت نگرفته باشد، طبقه کارگر از جنگ فرسایشی و روزمره سرمایه‌داران خلاصی نخواهد داشت. در حالی که ایجاد کوچک‌ترین بهبود در زندگی روزمره کارگران و مردم زحمت‌کش در گرو مبارزات و جانفشانی‌های سنگین توده‌ی کارگران است؛ سرمایه‌داران و دولت‌شان به‌راحتی تمام با تصویب یک قانون، با تغییراتی در سیاست‌های پولی و مالی و سرانجام با شیوه‌هایی از قبیل انتقال سرمایه به‌مناطق مقرون به‌صرفه‌تر و بیکارسازی کارگران در پرتو پیشرفت‌های تکنولوژیک، همه‌ی دست‌آوردهای تاکنونی کارگران را نقش برآب می‌کنند. باور داشتن به‌امکان بهبود مداوم وضعیت کار و معیشت کارگران در درون جامعه سرمایه‌داری توهمی بیش نیست. طبقه کارگر چاره‌ای جز آن ندارد که در مقابل دولت سرمایه‌داران مبارزاتی خود را ایجاد نموده و قلب آرایش سرمایه‌داری را هدف قرار دهد. این ارگان حزب سوسیالیستی طبقه کارگر است.

حزب سوسیالیستی طبقه کارگر حزبی از منجیان طبقه نیست، حزب کارگران

دستور دادن به نیروی انتظامی برای برخورد با کارگران، مدیریت بی کفایت کارخانه را به پای میز محاکمه بکشند که چنین وضعیتی را پیش آورده است. "دریابگی" از ۱۰ ماه بلاتکلیفی کارگران این واحد و عدم پاسخگویی مسوولان و مدیران شرکت فرش البرز انتقاد کرده و تاکید می‌کند مسوولان باید پاسخگوی اعمال خود باشند او خبر درگیری و ضرب و شتم کارگران را تایید می‌کند و می‌گوید: اینموضوع را بگیری خواهیم کرد.

این نماینده کارگری اضافه کرد: چندی پیش در نشستی با مدیران قرار شد که کارخانه به زودی راه‌اندازی می‌شود، آیا خبر خوش مسوولان برای کارگران بلاتکلیف همین بود که شاهدیم؟! خبرنگار "ایلنا"، در تماس با سرپرست این خبرگزاری در مازندران کم و کیف ماجرا را جویا می‌شود و او از تیر اندازی هوائی و ضرب و شتم کارگران با باتوم و گاز اشک‌آور خبر می‌دهد و این مطلب را برخی مقامهای مطلع کارگری در بابلسر نیز تأیید میکنند.

متعاقب این خبر، معاونت محترم اجتماعی نیروی انتظامی مازندران در نمابری خبر درگیری نیروهای انتظامی با کارگران را تکذیب می‌کند.

"حجت اله روحی" نماینده بابلسر در مجلس هفتم ضمن تایید خبر درگیری و ضرب و شتم کارگران و با زداشت جمعی از آنان، کارگران و خانواده‌هایشان را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند و از

پس از ماه‌ها انتظار عصر شنبه گذشته دهها کارگر شاغل در فرش "البرز" بابلسر به اتفاق خانواده‌هایشان راهی فرمانداری می‌شوند تا خبرهای خوبی از بازگشایی مجدد کارخانه و پایان سرگردانی خود بشنوند و... و غروب شنبه، خبر درگیری نیروهای انتظامی با کارگران مستاصل و ضرب و شتم این گناهکاران تاریخ و خانواده‌هایشان به تهران ارسال می‌شود؛ به راستی ماجرا چیست؟

خبرگزاری کار ایران، "ایلنا"، روز یکشنبه خبر تجمع کارگران فرش "البرز" بابلسر در مقابل کارخانه و تصمیم آنان برای راهپیمایی به سوی فرمانداری و اینکه با مقاومت نیروهای انتظامی کار به درگیری و ضرب و شتم جمعی از کارگران و خانواده‌هایشان و بازداشت نزدیک به ۴۰ نفر می‌انجامد را ارسال میکند.

موج اعتراضات کارگری به این مساله و برخورد نیروهای انتظامی با کارگران بابلسر آغاز می‌شود و نهادهای کارگری و برخی از مسوولان مراتب نگرانی خویش را از وقوع چنین حوادثی ابراز می‌نمایند. "نصراله دریابگی" نماینده کارگران استان مازندران هم که در نشست ماهیانه دبیران اجرایی خانه‌های کارگر سراسر کشور در گیلان به سر می‌برد، در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، ضمن انتقاد از نحوه برخورد نیروهای انتظامی و مسوولان بابلسر با کارگران بی پناه و گرسنه فرش "البرز" تاکید کرد: پاسخ حق طلبی کارگران باتوم و مشت و لگد نیست؛ مسوولان به جای

امروز به نقطه‌ای رسیده است که می‌تواند و ضروری است که به‌افق‌هایی فراتر از جامعه سرمایه‌داری اندیشیده و آرام و سنجیده گلم‌های تحقق اهداف تاریخی خود را تدارک ببیند. این در گرو تلاش گسترده همه‌ی سوسیالیست‌های وفادار به آرمان‌های دیرینه‌ی جنبش کارگری است. راه تحزب سوسیالیستی از اعجاز خردمندان نمی‌گذرد، خرد جمعی همه‌ی فعالین متشکل در انجمن‌ها و محافل سوسیالیستی کارگران است که این راه را هموار می‌کند. ما نیز به‌سهم خود در این راه تلاش خواهیم کرد.

مرتضی افشاری، امیر پیام، یداله خسروشاهی، بهمن شفیق و عباس فرد
۱۳ سپتامبر ۲۰۰۶ - ۲۲ شهریور

گزارش درگیری نیروهای انتظامی

با کارگران فرش "البرز" بابلسر از

زبان مجروحان این حادثه:

آن روز رفته بودند تا خبرهای خوش بشنوند و...؟!!

نیروهای انتظامی با باتوم و گاز اشک‌آور از کارگران استقبال کردند.

کاری با ما کردند که با فلسطینی‌ها نکردند؟!!

آقایان مسئول! مراقب باشید؛ ایمان دارد می‌رود!!

تهران- خبرگزاری کار ایران. 07/01/

1385

گزارش- پانید فاضلیان و محمد نوروزی:

برخورد نیروهای انتظامی با کارگران اظهار تاسف می‌نماید.

او تاکید می‌کند که اگر مسوولان به کارگران فرش البرز بابلسر وعده نمی‌دادند و برای رفع مشکلات این واحد و کارگران اقدام عملی می‌کردند، امروز دیگر شاهد چنین حادثه‌ای نبودیم.

او از تصمیم مدیریت شرکت به انحلال و تعطیلی واحد خبر می‌دهد و می‌گوید: آمار کارگران این واحد از ۸۰۰ به ۳۰۰ نفر کاهش یافته و نزدیک به ۱۷۰ کارگر این واحد از یکسال پیش بلا تکلیف هستند آیا بهتر نبود به جای ضرب و شتم کارگران مدیریت این واحد به پای میز محاکمه کشیده شود و از ایشان سوال شود که برای این واحد و کارگران چه کرده است.

خبردرگیری نیروهای انتظامی با کارگران و ضرب و شتم آنان، بازتاب گسترده‌ای در مطبوعات و رسانه‌ها پیدا می‌کند و مسوولان استان مازندران همچنان سکوت پیشه می‌کنند و شاید قصد دارند که خبر معاونت اجتماعی نیروی انتظامی مازندران مبنی بر تکذیب خبر درگیری را تایید نمایند و شاید ترجیح می‌دهند که سکوت نمایند تا بقول معروف آب‌ها از آسیاب بیفتد و دوباره مشکلات کارگران بی‌پناه فرش البرز به فراموشی سپرده شود...!؟

گروه کارگری خبرگزاری کار ایران، ایلنا، بنابر رسالت رسانه‌ای خود قصد دارد که این موضوع را پی‌گیری نموده و در این ارتباط با تنی چند از مجروحان درگیری کارگری شهرستان بابلسر با

نیروهای انتظامی و امنیتی به گفت‌وگو نشسته و تلاش کرده که واقعیت‌های این روز را از زبان آنان به تحریر در آورد و ضمن مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران به تشریح تبعات و عواقب اینگونه مسایل بپردازد. قطع به یقین قاضیان واقعی ما مخاطبان هستند و بس!

درذیل مصاحبه "ایلنا"، با چند تن از مجروحین این حادثه را می‌خوانید: "حسین محسن پور" یکی از کارگران شاغل در فرش البرز بابلسر با بیش از ۱۵ سال سابقه پیرامون این حادثه می‌گوید: یک هفته قبل از عصر شنبه مورد نظر، روز جمعه ۴۰ نفر از کارگران این واحد که پی‌گیر مسایل کارخانه کارگران بودیم، به فرمانداری دعوت شدیم؛ آنجا در مورد وضعیت واحد با مالک (صاحب) شرکت صحبت کردیم و به ما گفتند که شنبه هفته آینده (شنبه روز درگیری) کارخانه بازگشایی می‌شود و کارگران سر کار خود خواهند رفت.

در این جلسه یکی از مسوولان امنیتی بابلسر گفت: ما صداقت داریم؛ اگر کارخانه تا روز شنبه آغاز بکار نکرد، مقابل شهربانی روی زمین زیر پای کارگران می‌خوابیم! همانروز گفتند که پنج‌شنبه، آخرین هماهنگی‌ها در مورد شرکت و کارگران به عمل می‌آید.

روز شنبه ۴۰ تا ۵۰ نفر به فرمانداری رفتیم تا خبر بگیریم، اما نمی‌دانستیم که ماموران ضد شورش در انتظار ما هستند و با باتوم و گاز اشک‌آور از زن و

بچه ما استقبال خواهند کرد! آنان پیر و جوان و زن و مرد را به باد کتک گرفتند و از گاز اشک‌آور استفاده می‌کردند گویا ما انسان نیستیم و حق فریاد زدن و تظلم‌خواهی نداریم!

"محسن پور" می‌گوید: نمی‌دانیم اینان از کجا آمده بودند؛ نیروی انتظامی بودند یا سپاهی، اما لباس پلنگی برتن داشتند.

این کارگر اضافه کرد: عده‌ای از ما به اداره کار رفته بودند تا قضیه را پی‌گیری کنند و جمعی هم به فرمانداری آمده بودیم نمی‌دانم که چه شد، اما به یکباره بر سرمان ریختند تعدادشان زیاد بود، فکر می‌کنم که ۴۰۰-۵۰۰ نفری بودند! او می‌گوید: گویا فرمانداری از روز پنج‌شنبه نیروهای ضد شورش را خبر کرده بود و آنان در شهر مستقر بودند اما خبری نداشتیم.

"حسین" با اشاره به گفته‌های فرماندار جدید که از ۵ ماه پیش به این سمت منصوب شده، گفت: ایشان گفتند که اگر کار بچه‌های فرش البرز را درست نکنم، به درد "لای جرز دیوار" می‌خورم؛ حاضریم که دست برقرآن بگذارم و بگویم که فرماندار این حرف را زده آیا خود فرماندار هم قسم می‌خوره که اینکار را کرده!

این کارگر می‌گوید: اول گاز اشک‌آور زدند و بعد هم با باتوم افتادند به جان کارگران و خانواده‌هایشان و ما را داخل مینی‌بوس ریختند و روانه پاسگاه کردند. عده‌ای از ما را در اداره کار کتک زده و آورده بودند و عده‌ای را هم در فرمانداری مورد لطف و محبت خود قرار داده بودند!

اگر دیگران مفهوم مهرورزی دولت را متوجه نشده اند، ما خیلی خوب درک کردیم؟! "

"حسین" می گوید: دست همسرم شکسته و الان در داخل گچ است و خودم نیز از ناحیه گوش راست آسیب دیده ام و شنوایی ام کم شده است! او می گوید: ۲ روز است که آزاد شده ام (مصاحبه روز پنجشنبه انجام شده است) ۴۳ نفر را به پاسگاه بردند که ۳۷ نفرشان کارگر بودند؛ تا امروز (پنجشنبه) هم با تعهد آزاد شده اند و ۱۵ نفر همچنان در بازداشت هستند که وضعیت آنان نیز بزودی مشخص می شود.

حسین از خبر معاونت اجتماعی نیروی انتظامی مازندران در خصوص عدم درگیری با کارگران اظهار شگفتی کرده و می گوید: دروغ می گویند؛ آنان لباس پلنگی بر تن داشتند و حسابی ما را کتک زدند.

"نژاد اسماعیلی" نگهبان کارخانه فرش البرز بابلرس است؛ او می گوید: روز شنبه (حادثه) به شرکت رفتیم ماشین را در پارکینگ گذاشتم حدود ۲۰ نفر به شرکت آمده بودند که یکهو دهها نفر از ماموران آنجا آمدند و تمامی کارگران حاضر را دستگیر و بردند.

او می گوید: ساعت ۸/۵ صبح به کارخانه آمدیم و ۱۰ دقیقه بعد نیروهای انتظامی سر رسیدند و با ما برخورد کردند. قرار نبود که با ما چنین کنند ما با هماهنگی فرمانداری آمده بودیم آخر، چند روز قبلش هم تلویزیون محلی از بازگشایی مجدد کارخانه و حل مشکلات کارگران

خبر داده بود و فرماندار قول ۱۰۰ درصدی برای بازگشایی کارخانه و حل مشکلات واحد! او اضافه می کند:

نمی دانم چه دستوری داده بودند که نیروی انتظامی آمد و همه ما را گرفتند و داخل ماشین کردند و خود وارد کارخانه شدند؛ بعد از دستگیری ما را به کلانتری بابل و بعد هم به اردوگاه ساری که محل نگهداری معتادان است بردند و در همین مدت، ماشین من و خودروهایی پارک شده در کارخانه را زدند و شکستند و لاستیک خودروها را پاره پاره کردند.

لااقل به خودروی من ۵۰۰ هزار تومان خسارت وارد کرده اند، در بازداشتگاه علت مراجعه به کارخانه را از ما پرسیدند و گفتیم که طبق وعده فرماندار آمده ایم؛ سه روز در اردوگاه ساری بودیم و بعد هم انگشت نگاری کردند و با سند آزاد شدیم آنان می گفتند که شما سیاسی هستید و ما را عامل شورش در شهر معرفی کردند و تعهد گرفتند که هیچ کاری نکنیم؛ ما گفتیم که دنبال حق و حقوق خودمان هستیم، سیاسی کاری یعنی چه! و آنان گفتند که تعهد بدهید و بروید!

او می گوید: نیروی انتظامی خبر درگیری و ضرب و شتم کارگران را تکذیب می کند، پس شکستگی های دست و پای کارگران کار کیست نکند که خودمان دست و پایمان را شکسته ایم.

او می گوید: از مجموع ۲۰ نفری که در مقابل کارخانه دستگیر شدیم، ۱۷ نفر آزاد و سه نفر در بازداشت هستند من

هم یک میلیون تومان وثیقه گذاشتم و آدمم بیرون الان هم هیچ کس پاسخگو نیست!

فرماندار گفته بود که اگر کار کارگران درست نشود، از روی من عبور کنند آیا آقای فرماندار بر حرفشان هستند.

"مهدی رضا زاده" از دیگر کارگران شاغل در این واحد است که بالای ۱۵ سال سابقه کار دارد؛ او می گوید: ۱۸ ماه است که حقوق نمی گیریم و باید با بدبختی و قرض گرفتن از این و آن بسازیم و خفه خون بگیریم چون کارگریم!

او می گوید: چندی پیش "مطهری" مدیر عامل شرکت گفت که کارگران سالی یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بگیرند و تسویه کنند و ما نیز قبول کردیم این موضوع مربوط به ۸۴/۱۰/۲۸ است؛ ۲۰ روز بعد به استانداری رفتیم و ایشان گفتند که مدیر عامل می گوید که می خواهیم کارخانه را فعال و کارگران دوباره کار کنند ما هم گفتیم که از خدا می خواهیم؛ قول دادند که کارخانه از ۸۵/۱/۱۵ کار خود را آغاز کند پول قرض کردیم گوسفند خریدیم و بساط جشن و شادی راه انداختیم چرا که کارخانه از ۱۵ فروردین باز می شد و ما سر کارمان می رفتیم مسوولان هم آمدند کارخانه را تحویل دادیم و نگهبان تعیین کردند، دستگاهها سرویس شدند و آقای شفقت استاندار نیز قول حل مشکلات را دادند و فرماندار جدید گفت: اگر کارتان درست نشود، به درد "جرز لای دیوار" میخورم و

همه خوشحال بودیم خوشحال از اینکه سرانجام تیره روزی‌های ما تمام میشود. "مهدی" از ماجرای روز شنبه مورد نظر می‌گوید: شنبه صبح ۴ تا از نمایندگان ما به فرمانداری می‌روند تا کارها را پی‌گیری کنند و همانجا این افراد را بازداشت می‌کنند.

عده‌ای در اداره کار و جمعی دیگر در فرمانداری مورد انواع اهانتها قرار گرفتند و با ضرب و شتم و کتک کاری روانه پاسگاه میشوند.

مهدی می‌گوید: تیر هوایی هم در کردند با قنداق اسلحه زدند زیر چشم من و سرم را شکستند و در حالی که لباس من خونی شده بود، با باتوم افتادند به جانم؟! در مینی بوس نشسته بودیم که گاز اشک‌آور زدند داخل ماشین و آنجا هم دوباره از ما پذیرایی مفصل کردند! آن قدر خون رفته بود که در پاسگاه از حال می‌روم و با این حال اجازه نمی‌دهند که ما را به بهداری ببرند قاضی حکم به بازداشت من میدهد و در زندان بود که سر مرا پانسمان کردند.

او می‌گوید گناه من و کارگران فرش البرز بابلسر چیست؟

باور کنید با فلسطینی‌ها این کار را نکردند که با ما انجام دادند؛ از قول من بنویسید که کارگران گرسنه و شرمنده زن و بچه‌ها را کتک زدن هنر نیست، اگر هنر دارید، مشکلات مردم را حل کنید. و...

و کارگری میگفت: در آستانه ماه مهر، مفهوم مهرورزی را خیلی خوب متوجه شدیم؟!!

و آن یکی گفت: اگر ناموس مردم به گناه بیفتند؛ مسئولش کیست؟! آخر تا کی میتوان گفت: صبرکن! ایمان دارد از در بیرون میرود!!

کارگران به وزیر کار هشدار دادند که بر علیه کارگران اقدام نکنند.

روز دوشنبه به ۲۰ شهریور وزیر کار در جمع کانون‌های به اصطلاح هماهنگی شورایی اسلامی کار استان تهران شرکت کرد. هدف وزیر کار این بود که طی یک همایش نمایشی در سالن نگین در تهران این کانون‌ها را نسبت به سیاست ضدکارگری احمدی نژاد در زمینه فراهم کردن غارت هر چه بیشتر کارگران توجه نماید و ضرورت به اصطلاح اصلاح قانون کار را برایشان باز کند. برای این کار و جهت خالی نبودن عریضه در این همایش وزیر کار و کانون‌های مربوطه ۶۰۰ کارگر را از کارخانه‌های تهران دست‌چین و به همایش آوردند. با این حال به دلیل بحران فراگیر کارگری که فشار طاقت‌فرسایی را بر کارگران آورده است حتی این کارگران دست‌چین شده نیز نتوانستند خط دولت مهرگستر! احمدی نژاد را تحمل کنند و طبق گفته فردی از این کارگران که در مراسم بود عملاً این کارگران وزیر کار را زیر ضرب اعتراضات شدید خود قراردادند و با عتاب و ختاب‌های شدید و با صداهای بلند به او هشدار دادند که این قدر بر علیه کارگران اقدام نکنند. این کارگر گفت کارگران به وزیر کار گفتند که اگر ظلم

ها و ستم‌ها بر کارگران ادا نمیشود یا بد آن‌ها کفن خواهد شد پوشید و به خیابان‌ها خواهند ریخت این شاهد عینی گفت موضوع این قدر جدی بود که در خود هیات کانون استان تهران دود ستگی پیش آمده و عده‌ای از آنها وقتی برخورد کارگران و اعتراض‌شان را دیدند، آن‌ها هم بر علیه وزیر کار احمدی نژاد شروع به موضع‌گیری کردند و از جمله گفتند هیچ‌گونه تغییری در ماده ۲۷ و سایر مواد قانون کار را نمی‌پذیرند. خبرگزاری‌ها - ۲۶ شهریور

فعالان کارگری شهر سقز مجدداً به دادگاه احضار شدند

طبق اطلاعیه‌ای که از جانب کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری منطقه غرب منتشر شده است، محمود صالحی و جلال حسینی از فعالان کارگری جهت اخذ آخرین دفاع در پرونده مربوط به اول ماه مه سال ۱۳۸۳ شهر سقز به دادگاه احضار شده‌اند. در احضاریه دادگاه شهر سقز از آنها خواسته شده است که در روزهای دوشنبه و چهارشنبه، ۲۴ و ۲۶ مهر ماه در دادگاه حاضر شوند.

زنده باد

سوسیالیسم

برنامه‌های ویژه پخش ماهواره‌ای به سوی ایران

به مناسبت یادمان‌های کشتار سراسری زندانیان سیاسی ایران

با همت یاران و فعالین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، برنامه‌های پخش ماهواره‌ای تدارک دیده شده است که به مناسبت یادمان‌های کشتار سراسری زندانیان سیاسی ایران در سپتامبر ۲۰۰۶ به سوی ایران پخش می‌شود. **برنامه تلویزیونی پوشش**، تلاشی است از سوی زندانیان سیاسی سابق برای انتقال تجربیاتشان به مردم ایران و به ویژه نسل جوانی که برعلیه تمامیت سیستم پوسیده جمهوری اسلامی می‌کوشند. این برنامه، در عین مستندسازی تاریخ کشتار و سرکوبگری رژیم از آغاز به قدرت رسیدن تاکنون، خواهد کوشید تا به جوانب مختلف پدیده زندان و سرکوب از افقی وسیع‌تر بپردازد. افقی که با چشم‌اندازهای امید به رهایی و سوسیالیسم پیوندی ناگسستنی دارد. ما از همه علاقمندان تقاضا می‌کنیم تا در پربارتر کردن این برنامه‌ها ما را یاری دهند. زمان و تاریخ برنامه‌ها در ماه آتی به شرح زیر است:

برنامه تلویزیونی پوشش

برنامه‌ای درباره سرکوب، اختناق و زندان

پخش ماهواره‌ای از طریق Hotbird، TeleStar12

کانال یک (Channel One)،

D/L Frequency: 12,152 MHZ

D/L Polarity: Horizontal

Symbol Rate: 20.000 Msym

FEC: 3/4

روزهای: پنجشنبه ۷، ۱۴، ۲۱ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۶

زمان پخش: به وقت ایران ساعت ۲۰:۳۰،

به وقت اروپای مرکزی ۱۹:۰۰، به وقت پاسیفیک ۱۰:۰۰

کمیته برگزارکننده گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی، ۲۶ اوت ۲۰۰۶

آدرس‌های تماس:

Email: tondardialog@web.de

Internet: <http://dialogt.org/seminar/pishnahadat.htm>

Dialog, Postamt 1/Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

Tel.: 0174 4912843 / یا 0160 97743882